

حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی *

اشاره

حضرت خدیجه کبری علیها السلام، اولین همسر محبوب پیامبر اعظم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مادر حضرت فاطمه علیها السلام و نخستین زن ایمان آورنده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از شخصیت‌های تأثیرگذار در نهضت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و مورد احترام و پذیرش همه مذاهب اسلامی است. در این نوشتار، تلاش شده است که حتی الامکان با استناد به منابع اهل سنت، به ترسیم شخصیت و منزلت این بانوی بزرگ اسلام پردازیم. دورنمای شخصیت خدیجه علیها السلام در پیش از اسلام، ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فضایل اخلاقی و معنوی خدیجه علیها السلام، نقش خدیجه علیها السلام در موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیشبرد اسلام، از جمله مباحثی است که در این مقاله آنها را پی می‌گیریم.

خدیجه علیها السلام پیش از اسلام

درباره شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در دوره پیش از اسلام، سیره‌نویسان و مورخان اسلامی،

* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حوزه علمیه قم.

گزارش اندکی ارائه کرده‌اند؛ از جمله نوشته‌اند: او، ثروتمند بود و با اموالش تجارت می‌کرد و سرمایه خود را به صورت مضاربه و استخدام افراد، برای تجارت به کار می‌گرفت.^۱

منابع یادشده به جایگاه والای اجتماعی و حُسن شهرت حضرت خدیجه سَلَّمَ در شرف و نسب اشاره دارند؛ چنان‌که ابن سیدالناس شافعی می‌نویسد: «خدیجه، زنی شریف و بادرایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته بود. به لحاظ نسب، در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت؛ اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی فراوان بود.»^۲

بلاذری نوشته است: «خدیجه، زنی باصل و نسب و تاجری ثروتمند بود.»^۳

نیز نوشته‌اند: «خدیجه، باشرافت‌ترین زنان قریش بود و بر دیگران از نظر مال و جمال برتری داشت و در دوره جاهلیت به جهت پاکدامنی، او را «طاهره» می‌خواندند و به وی، «بانوی قریش» لقب داده بودند. نیز به جهت امتیازاتی که داشت، خیلی افراد در پی آن بودند که از نزدیکان وی باشند.»^۴

بانویی که عاشق کمال بود و به همین دلیل، آنگاه که از صداقت و امانت محمد بن عبدالله سَلَّمَ باخبر شد، شخصی را به سراغ حضرت فرستاد و طی یک قرارداد، اموال خود را همراه یک غلام برای تجارت به شام، در اختیارش قرار داد.^۵

خانواده و نسب

خدیجه سَلَّمَ، دختر «حُوَیْلِدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ قُصَيِّ بْنِ كِلَابِ بْنِ مُرَّةِ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرِ بْنِ مَالِكِ بْنِ نَضْرِ بْنِ كِنَانَةَ»^۶ است و مادرش، «فَاطِمَةُ بِنْتُ زَايِدَةَ بِنِ الْأَصَمِّ بْنِ الْهَرَمِ بْنِ رَوَاحَةَ بْنِ حَجْرِ بْنِ عَبْدِ بْنِ مُعِيصِ بْنِ عَامِرِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرِ بْنِ مَالِكِ» است.^۷

۱. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۳.
۲. ابن سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۳.
۳. بلاذری، الأنساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۸.
۴. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۲۹۴؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۱؛ حلی، السيرة الحلیية، ج ۱، ص ۱۳۷.
۵. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۹۹.
۶. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۷۸.
۷. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

و کنیه اش امّ هند^۱ می باشد. در زمان جاهلیت، به «سیده قریش» و «الطاهره» ملقب بود.^۲ در منابع اسلامی، از حضرت خدیجه علیها السلام با القابی همچون: «طاهره، زکیه، مرضیه، صدیقه، سیده نساء قریش^۳ و خیر النساء» یاد شده است.^۴

خدیده علیها السلام، حدود سه یا چهار دهه پیش از آغاز بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در مکه به دنیا آمد و در همان شهر، در خانه پدرش که از بزرگان و مورد احترام قومش بود و با «بنی عبدالدار بن قصی» هم پیمان بود، رشد و پرورش یافت.^۵

ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام با آنکه خواهان بسیاری داشت، کسی را به شوهری نپذیرفت. او با ثروت فراوانش به بازرگانی می پرداخت؛ تا آنکه که ابوطالب از برادرزاده خود خواست، او نیز مانند دیگر خویشاوندانش کارگزار خدیجه گردد و از سوی او، برای تجارت به شام برود. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه پذیرفتند و حضرت با مال التجاره خدیجه به سفر تجاری به شام اقدام نمود و سود خوبی نیز عایدشان شد. پس از این سفر بود که حضرت خدیجه علیها السلام به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله تمایل پیدا نمود و او را به شوهری پذیرفت.^۶

بنا به نقل تاریخی، این ازدواج، حدود دو ماه پس از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر تجارتنی شام انجام گرفت.^۷

انگیزه ازدواج

در خصوص انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام می توان گفت: علت اصلی این پذیرش، پاکدامنی و عفت و فضایل معنوی و انسانی خدیجه علیها السلام بود. انگیزه دو طرف در تن دادن به آن، برتری های معنوی و انسانی بود که هریک در شریک زندگی خود می دیدند؛ چراکه

۱. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۱۸.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۳، ص ۱۵؛ احمد بیهقی، دلائل النبوة، مقدمه کتاب، ص ۱۶.

۴. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۸۳.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۶. حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۱۴۰.

۷. همان.

گزارش‌های تاریخی گواهی می‌دهد که خدیجه از زنان پاکدامن و باعفت بود؛ تا آنجا که در آن دوره که مردم غرق در منجلاب ناپاکی‌ها بودند، آن بانوی بزرگ قریش، به جهت فضایل اخلاقی و پاکدامنی، لقب «طاهره» را به خود اختصاص داده بود.^۱

از گفتار و کردار خدیجه علیها السلام به دست می‌آید که علاقه وی به پیامبر صلی الله علیه و آله، بر محور ارزش‌های پاک انسانی، صداقت و امانت‌داری آن حضرت بود. بنابراین، انگیزه ازدواج وی با پیامبر صلی الله علیه و آله، فراتر از مسائل مادی و ظاهری بود؛ زیرا اگر مسائل دنیوی در ازدواج خدیجه علیها السلام تأثیرگذار بود، می‌بایست با یکی از خواستگاران ثروتمندش ازدواج می‌کرد. بنا به نقل ابن‌اثیر، خدیجه علیها السلام در اولین گفت‌وگوهای خود با پیامبر صلی الله علیه و آله، ضمن اظهار علاقه به ایشان، انگیزه ازدواج خود را چنین ابراز نمود: «به تو علاقه‌مند شدم؛ زیرا با من خویشاوندی و میان قومت از شرافت بسیاری بهره‌مند هستی. نیز نزد قبیله‌ات به امانت‌داری شهرت داری و دارای اخلاق نیکو و باصداقت می‌باشی.»^۲

نوشته‌اند: حضرت خدیجه علیها السلام، ابتدا خودش پیشنهاد کرد که با حضرت رسول صلی الله علیه و آله ازدواج نماید.^۳ آگاهی خدیجه علیها السلام از کرامت اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله، موجب این پیشنهاد شد.^۴

سنّ ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

در مورد سنّ حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، مورّخان و سیره‌نویسان اقوال گوناگونی را بیان داشته‌اند.^۵ در منابع تاریخی مشهور است که خدیجه علیها السلام چهل ساله بود؛ ولی با توجه به تعداد فرزندان که از این ازدواج نصیبشان شد، می‌توان در عدد چهل تشکیک نمود و آن

۱. ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. ابن‌اثیر، أسد الغابة، ج ۵، ص ۴۳۲.

۳. ابن‌هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴. ابن‌سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۳.

۵. از جمله: بیست‌وپنج ساله (حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ بیست‌وهشت ساله (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۳)؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱)؛ سی ساله (حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ سی‌وپنج ساله (ابن‌کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۲۹۵)؛ چهل ساله (بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۸)؛ چهل‌وچهار ساله (واقدی، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۰۳)؛ چهل‌وپنج ساله (واقدی، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۴۲).

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه اهل سنت ■ ۱۱۳

را عدد واقعی ندانست؛ بدین توجیه که شاید تاریخ نویسان رقم چهل را از آن جهت که عدد کاملی است، انتخاب کرده باشند. در مقابل این نظر، دو دیدگاه پُرطرفدار نیز وجود دارد: یکی، بیست و هشت ساله بودن خدیجه و دیگری، بیست و پنج ساله بودن او.

- دیدگاه اول: ۲۸ ساله بودن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج:

ابن سعد در طبقات الکبری از ابن عباس روایت می کند که سنّ خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بیست و هشت ساله بود.^۱

نیز ابن عماد حنبلی در شذرات الذهب می گوید: «وَرَجَحَ كَثِيرُونَ أَنَّهَا ابْنَةُ ثَمَانَ وَعِشْرِينَ»^۲ بسیاری از مورّخان، قول بیست و هشت سال را برای خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ترجیح داده اند.»

حاکم نیشابوری نقل می کند: «كَانَ لَهَا يَوْمَ تَزَوَّجَهَا ثَمَانَ وَعِشْرُونَ سَنَةً»^۳ خدیجه در زمان ازدواجش با پیامبر صلی الله علیه و آله، بیست و هشت ساله بود.»

نیز می نویسد: قول هشام بن عروه که می گوید: «توفیت خدیجه بنت خویلد (رضی الله عنها) وهی ابنة خمس وستين سنة، هذا قولٌ شاذٌّ»^۴ اینکه خدیجه در سنّ شصت و پنج سالگی وفات نمود، قول نادر می باشد.»

بلاذری هم به عنوان یک قول، بیست و هشت سال را ذکر نموده است.^۵

ذهبی^۶ و ابن عساکر^۷ می گویند: «وَرُوِيَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَتْ خَدِيجَةَ يَوْمَ تَزَوَّجَهَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ابْنَةَ ثَمَانَ وَعِشْرِينَ سَنَةً»^۸ خدیجه در زمان ازدواج با آن حضرت، بیست و هشت ساله بود.»

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

۲. عبدالحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۱، ص ۱۴.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.
۴. همان.

۵. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۸.

۶. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۷. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۳، ص ۱۹۳.

۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

- دیدگاه دوم: ۲۵ ساله بودن خدیجه عَلَيْهَا هنگام ازدواج:

بیهقی می گوید: «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خدیجه بیست و پنج ساله در پانزده سال پیش از بعثت ازدواج نمود.»^۱

نیز آورده است: «... بَلَّغَتْ خَدِيجَةُ خَمْسًا وَسِتِّينَ سَنَةً، وَيُقَالُ خَمْسِينَ سَنَةً، وَهُوَ أَصَحُّ؛^۲ بعضی گویند: سنّ خدیجه عَلَيْهَا (در هنگام وفات)، شصت و پنج سال بود و برخی دیگر گفته اند: پنجاه ساله بود که نظر صحیح، همین است.»

حلبی نیز این قول را آورده است که پیامبر با خدیجه ازدواج نمود و در آن هنگام، خدیجه در سن بیست و پنج سالگی بود.^۳

حضرت خدیجه عَلَيْهَا، اولین زن مسلمان

در همان روزی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث شد، خدیجه عَلَيْهَا به حضرت ایمان آورد. ابن هشام می نویسد: «وَكَاثَتْ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَصَدَّقَ بِمَا جَاءَ مِنْهُ؛^۴ خدیجه، اولین فردی بود که به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و قرآنش را تصدیق نمود.»

یک روز درحالی که محمد امین در غار حرا مشغول دعا بود، صدای جبرئیل را شنید که از سوی خداوند حامل پیام رسالت برای او بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از غار بیرون آمد و به خانه رفت. خدیجه عَلَيْهَا با دیدن پیامبر، متوجه شد که برای شوهرش اتفاق بزرگی رخ داده است. پیامبر نیز مشاهدات خود را برای خدیجه عَلَيْهَا بیان کرد. خدیجه عَلَيْهَا سخنان شوهرش را شنید و ایمان آورد. بدین ترتیب، حضرت خدیجه عَلَيْهَا لقب اولین زن مسلمان را به خود اختصاص داد. امام علی عَلَيْهِ در این باره می فرماید:

«لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرُّسَالَةَ؛^۵ در ابتدای اسلام، تنها خانه‌ای که در آن مسلمان یافت می شد، خانه‌ای بود که پیامبر و خدیجه و من که سومی آنها بودم، در آن بودیم. من، نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی

۱. احمد بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۷۱.

۳. حلبی، السيرة الحلبية، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۴۰.

۵. صبحی صالح، نهج البلاغة، خطبه ۱۹۲.

پیامبری و نبوت به مشام می خورد.»

عبدالله بن مسعود می گوید: روزی با عموها و تعدادی از اعضای قبیله ام به مکه آمدیم تا عطر بخیریم. عباس بن عبدالمطلب عطر می فروخت. نزد او رفتیم. عباس در کنار چاه زمزم نزدیک کعبه نشسته بود. در این هنگام، مردی از باب صفا وارد شد. طرف راست او، نوجوانی راه می رفت و پشت سرش بانویی با لباس پوشیده. آنها کنار حَجَرِ الْأَسْوَد رفتند. ابتدا آن مرد به حَجَرِ دست کشید و سپس، آن نوجوان و بعد هم آن بانو. آنگاه طواف کردند و کنار حجر اسماعیل نماز خواندند. از عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی در شهر مکه آمده؟ اینان کیان اند؟ عباس گفت: آن مرد، برادرزاده من است و آن زن، خدیجه، همسر اوست. آن نوجوان هم برادرزاده دیگر من است. او می گوید که دین تازه ای آورده است؛ اما به خدا قسم! غیر از این سه نفر، در روی زمین کسی این آیین را قبول ندارد.^۱

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

در منابع اهل سنت، در مورد فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام روایات فراوانی وجود دارد که گویای جایگاه والای ام المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام است؛ از جمله:

- محبوب ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله: اگر بخواهیم در مورد میزان علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به همسرانش به اطلاعاتی دست یابیم و بدانیم که حضرت بیشتر به کدام همسرش علاقه داشت، تنها به وسیله گفتار و کردار پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن است؛ نه از طریق ادعاهای دیگران. با توجه به گفته ها و رفتارهای پیامبر، فهمیده می شود که ایشان حضرت خدیجه علیها السلام را بیش از دیگر همسرانش دوست می داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که در مدینه به سر می برد، هرگاه از خدیجه علیها السلام یاد می کرد، خشنودی خود را از آن بانوی بزرگ ابراز می داشت.^۲ عایشه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را بهترین زنان خود می دانست.^۳

گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله، نشانه آن است که خدیجه علیها السلام نزد آن حضرت، از جایگاه رفیعی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳؛ ابن حجر عسقلانی،

الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۱۰۸.

۳. احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۱۱۷.

برخوردار بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از وفات خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، پیوسته از او ستایش می‌کرد و از او به نیکی یاد می‌نمود و نقش همسرش را در پیشبرد اسلام یادآور می‌شد^۱ و برایش دعا می‌کرد و گاهی در فراقش اشک می‌ریخت و به زنان خود می‌فرمود: «خیال نکنید مقام شما بیش از خدیجه است؛ زمانی که همه شما کافر بودید، او به من ایمان آورد. او، مادر فرزندان من است.»^۲

در آن محیطی که «چند همسری» امری متداول بود، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا هنگامی که خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ زنده بود، گامی در جهت تعدد زوجات برداشت^۳ و این خود، دلیلی است گویا بر تکریم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ.

نیز هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گوسفندی را ذبح می‌کرد، سهمی از آن را برای دوستان خدیجه در نظر می‌گرفت و در توجیه کارش می‌فرمود: «إِنِّي لِأَحَبُّ حَبِيْبًا؛ [به جهت شدت علاقه به خدیجه] دوستانش را نیز دوست دارم.»^۴

فضایل خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ و حساسیت عایشه

بسیاری از مورخان و سیره‌نویسان آورده‌اند: عایشه می‌گوید: «وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خدیجه نام می‌برد، نمی‌توانست خوبی‌هایش را نگوید و برایش استغفار نکند. یک روز که پیامبر از خدیجه سخن گفت، غیرت من به جوش آمد و گفتم: «لَقَدْ عَوَّضَكَ اللهُ مِنْ كَبِيْرَةِ السِّنِّ. قَالَ: فَرَأَيْتُهُ غَضِبَ غَضَبًا...؛ به جای این پیرزن، خدا زن جوانی نصیب کرده است. می‌گوید: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این سخن خشمگین شد و فرمود: «كَيْفَ قُلْتِ وَاللَّهِ لَقَدْ آمَنْتُ بِى إِذْ كَدَّبْتَنِى النَّاسُ وَأَوْتَنِى إِذْ رَفَضَنِى النَّاسُ وَرَزَقْتِ مِنْهَا الْوَلْدَ وَحَرَمْتُمُوهُ مِنِّى؛ چگونه چنین حرفی زدی؟ خدای عالم، خدیجه را به من داد. خدیجه به من ایمان آورد؛ درحالی که مردم تکذیب می‌کردند. او به من پناه داد؛ درحالی که مردم مرا ترک کردند. خدای عالم از او به من فرزند داد و حال آنکه از شما محروم شدم.»^۵

۱. ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج ۸، ص ۱۰۱؛ ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۶.
۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.
۳. همان، ص ۲۰۱.
۴. ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج ۸، ص ۱۰۸.
۵. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۲۵؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۲۳۸؛ ذهبی، سیر إعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج ۸، ص ۱۰۸.

عایشه می گوید: «ما غِزْتُ لِلنَّبِيِّ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ نِسَائِهِ مَا غِزْتُ عَلَى خَدِيجَةَ لِكَثْرَةِ ذِكْرِهَا يَاهَا وَمَا رَأَيْتُهَا قَطُّ؛^۱ به هیچ کدام از همسران پیامبر حساسیت نداشتم؛ آن طوری که بر خدیجه حساسیت داشتم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه را بسیار یاد می کرد؛ در حالی که هیچ گاه در عمرم خدیجه را ندیده ام.»

نیز می گوید: «ما غِزْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غِزْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَمَا رَأَيْتُهَا وَلَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يَكْثُرُ ذِكْرَهَا وَرَبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطُّهَا أَغْضَاءً ثُمَّ يَبْعُثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرَبَّمَا قَلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَكَانَتْ وَكَانَتْ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛^۲ من نسبت به هیچ کدام از زن های پیامبر حساسیت نداشتم؛ آن طوری که به خدیجه حساسیت داشتم. پیامبر خیلی به یاد خدیجه بود و وقتی گوسفندی قربانی می کرد، آن را تکه تکه می کرد و به دوستان خدیجه می داد. به قدری پیامبر به یاد خدیجه بود و او را به نیکی می کرد که گفتیم: ای رسول خدا! گویا در دنیا و آخرت زنی غیر از خدیجه وجود ندارد؟ می فرمود: چنان بود و چنان بود و او، مادر بچه هایم است.»

همچنین، عایشه گفته است: «ما حَسَدْتُ امْرَأَةً مَا حَسَدْتُ خَدِيجَةَ؛^۳ آن طوری که به خدیجه حسد می ورزیدم، به هیچ زنی حسد نمی ورزیدم.»

ارزش مداری

نگاه حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به شوهرش، نگاهی ارزشی بود. او کمالات و خوبی ها را می شناخت و آنها را در وجود پیامبر یافته بود. او در این راه، قالبها و سنت های جاهلی را در هم شکست و به گفته مردم که می گفتند: محمد صلی الله علیه و آله، یتیمی بیش نیست، توجه نکرد. خدیجه علیها السلام هنگام ابراز تمایل برای ازدواج با پیامبر، گفت: «يَا بِنَّ عَمِّ إِنِّي رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَسَلَعْتِكَ فِي قَوْمِكَ وَأَمَانَتِكَ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ؛^۴ ای پسرعمو! من به جهت خویشاوندی با تو، شرافت تو بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راستگویی ات، به تو تمایل پیدا کردم.»

۱. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۶، ص ۸۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۴۸۵۵.

۲. صحیح بخاری، ح ۳۸۱۸.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۴۸۵۴.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۰۱.

بشارت بهشت به خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَمِرْتُ أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ لَا صَحَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ؛^۱ خدا به من دستور داده به خدیجه مژده دهم که خانه‌ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته شده است.»

عایشه در مورد حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَشَّرَهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ؛^۲ پیامبر درباره حضرت خدیجه، بشارت بهشت را داد.»

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، سرور زنان اهل بهشت

تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان نوشته‌اند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده:

– «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمِ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۳ با فضیلت‌ترین زنان اهل بهشت، چهار نفر هستند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.»

– «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمِ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۴ بهترین زنان دو جهان، چهار نفرند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.»

– «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ ثُمَّ فَاطِمَةُ ثُمَّ خَدِيجَةُ ثُمَّ آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ؛^۵ سرور زنان اهل بهشت، مریم دختر عمران، سپس، فاطمه، آنگاه خدیجه و بعد، آسیه همسر فرعون است.»

– «كَمَلٌ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛^۶ از میان مردان جمع بسیاری به کمال رسیدند؛ اما از زنان فقط سه نفر کامل شدند:

۱. همان، ص ۲۴۱؛ ابن اسحاق، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۲۱۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۴۹.
۲. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۶، ص ۸۴؛ حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۴۸۵۴.
۳. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۶، ص ۸۳؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۳۱۶.
۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.
۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۴۳؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۷.
۶. ابن کثیر، البدایة والنهائة، ج ۲، ص ۶۱؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۵، ص ۲۵۷.

آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد...»
 نیز نوشته‌اند: عایشه به فاطمه علیها السلام گفت: «أَلَا أُبَشِّرُكَ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَآسِيَةُ إِمْرَأَةَ فِرْعَوْنَ؛^۱ آیا به تو بشارت ندهم؟ من از پیامبر شنیدم که فرمود: سروران زنان بهشت، چهار نفر هستند: مریم دختر عمران، فاطمه دختر پیامبر، خدیجه دختر خویلد و آسیه همسر فرعون.»

جایگاه خدیجه علیها السلام نزد خدا و جبرئیل

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: «خدیجه، به مقامی رسیده است که خدا و جبرئیل بر او درود می فرستند.»^۲ بخاری و مسلم از ابوهریره نقل کرده‌اند که جبرئیل نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ آدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ سَلَامًا مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ وَمَنِّي...»^۳ ای رسول خدا! این خدیجه است که نزد تو می آید با ظرفی از غذا و آب. وقتی خدیجه آمد، از طرف خدای عالم به او سلام برسان. از جانب من هم به او سلام برسان.»

ابن حجر عسقلانی می نویسد: «حضرت خدیجه علیها السلام از خانه بیرون آمد و پیامبر بیرون مکه بود و از ترس قریش بعضی از روزها می رفتند در کوه‌ها، [و] آنجا مخفی می شدند. [وقتی] خدیجه کبری غذایی برای رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می بُرد، جبرئیل را دید به صورت یک مرد. این مرد از خدیجه سؤال کرد: پیامبر کجاست؟ خدیجه را ترس فراگرفت که شاید می خواهد پیامبر را بکشد. چیزی نگفت و آن مرد رفت. حضرت خدیجه علیها السلام که از سنگلاخ‌ها و کوه‌های پُر از سنگ عبور می کرد و صدا می زد: حبیبی محمد، بعد از مدت‌ها جست‌وجو، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پیدا کرد و گفت: من مردی را دیدم و ترسیدم. حضرت فرمود: خدیجه! آن مردی که دیدی، جبرئیل بود. آنگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: [جبرئیل] به من گفت که به تو سلام برسانم و تو را بشارت دهم بر قصر و خانه‌ای در بهشت.»^۴

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۴۸۵۳؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۱؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۶۰.
 ۲. ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج ۴، ص ۲۷۴؛ ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۷، ص ۸۴؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۷؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
 ۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۸۹، ح ۳۶۰۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۷، ح ۲۴۳۲.
 ۴. ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج ۷، ص ۶۰۴.

حفظ یاد و خاطره خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ

کمالات خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ از یک سو، و وفای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی دیگر، کار را به جایی رساند که به گفته عایشه: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز از خانه بیرون نمی‌رفت؛ مگر اینکه از خدیجه ستایش می‌نمود.^۱ ابن جوزی در المنتظم و ابن عبدالبر در الإستیعاب از عایشه نقل می‌کنند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيَحْسُنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا»^۲ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر وقت می‌خواست از خانه بیرون رود، به یاد خدیجه بود و از او تعریف می‌کرد.

عایشه می‌گوید: پیامبر، نه تنها به یاد و نام خدیجه و فداکاری‌های او بها می‌داد، بلکه به احترام او، به هرکس و هرچیزی که یاد خدیجه را به همراه داشت، احترام می‌گذاشت. روزی، بانویی سال خورده به خانه آمد. پیامبر با او بسیار مهربانی کرد. پس از رفتن پیرزن، گفتم: درست است که خُلق و خوی شما مهربانانه است و به همه انسان‌ها، به ویژه محرومان، احترام می‌گذاری؛ اما بهایی که امروز به این پیرزن دادی، ویژه بود؛ مگر او که بود؟ پیامبر فرمود: «إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ؛ این زن، در زمان خدیجه به خانه ما می‌آمد و از دیدگاه من، پاس داشتن سابقه دوستی‌های دیرین، بخشی از ایمان است.»^۳

نقش خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در موفقیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در بیست و پنج سال زندگی مشترک با پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خدمات بسیاری برای آن بزرگوار و دین اسلام انجام داد. حمایت‌های مالی، روحی و عاطفی از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تصدیق و تأیید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روزگاری که دیگران تکذیبش می‌کردند و یاری ایشان در برابر آزار مشرکان، گوشه‌هایی از خدمات ارزشمند حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ است.

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تنها یک همسر نبود؛ بلکه در حقیقت یار و همدمی بود که خداوند بسیاری از ناگواری‌های حضرت را از طریق او آسان می‌نمود. خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در راه حمایت از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بهترین فداکاری و ایثار را از خود نشان داد.

خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ، اولین بانویی بود که به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و مسلمان شد.^۴ گرویدن زنی همانند

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک، ج ۳، ص ۱۸؛ ابن عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰.

خدیجه که در عصر خود، از جایگاه اجتماعی ممتازی بهره‌مند بود، عاملی مهم در جذب دیگران به اسلام شمرده می‌شد.

نقش حضرت خدیجه علیها السلام در موفقیت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر کسی پوشیده نیست. آن بانوی بزرگ اسلام، آثار بسیار درخشانی در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت. رفتار او، موجب آرامش حضرت را فراهم می‌نمود که این آسودگی و آرامش خاطر در زندگی، زمینه خوبی را ایجاد کرد که حضرت با موفقیت قدم بردارد و آزارها و بی‌مهری‌های مشرکان قریش را تحمل نماید و همچنان ثابت‌قدم و استوار به پیش حرکت کند.

خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همه دارایی‌هایش را به ایشان بخشید تا آن را هرگونه می‌خواهد مصرف کند. او در دوران عبادت رسول خدا صلی الله علیه و آله در غار حرا، همیشه مراقب حضرت بود و برای حفظ جان و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله تمامی سختی‌ها را تحمل می‌کرد. او می‌کوشید حتی کوچک‌ترین تمایلات حضرت را که به زبان هم نمی‌آورد، انجام دهد؛ چنان‌که وقتی دید حضرت صلی الله علیه و آله به «زید بن حارثه» که آن هنگام به عنوان برده نزد خدیجه به‌سر می‌برد، علاقه دارد، او را به حضرت بخشید.^۱

خدیجه علیها السلام در همه احوال، از پیامبر دفاع می‌کرد و خود را سپر بلای حضرت قرار می‌داد. این امر، سبب آرامش حضرت می‌شد. یک بار مشرکان پیامبر را سنگ‌باران و زخمی کردند. حضرت به سوی خانه به راه افتاد. مشرکان به دنبال پیامبر آمدند و حتی خانه ایشان را سنگ‌باران کردند. خدیجه علیها السلام از خانه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگ‌زدن به خانه زنی که نجیب‌ترین زنان قوم و قبیله خود است، شرم ندارید؟ مشرکان شرم‌منده شدند و بازگشتند. خدیجه علیها السلام به خانه برگشت و به بستن و مداوای زخم‌های پیامبر مشغول شد. در این واقعه بود که جبرئیل، سلامی ویژه از سوی خدا برای حضرت خدیجه علیها السلام آورد. خدیجه علیها السلام در برابر این سلام گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَىٰ جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَبَرَكَاتُهُ؛ همانا خداوند خود، سلام است و سلام از اوست و بر جبرئیل و بر شما ای رسول خدا، سلام و برکات خدا باد.»^۲

حضرت خدیجه علیها السلام تا زنده بود، اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت آید.

۱. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲. ابن‌عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۱۱.

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با کوله‌باری از مصیبت و اندوه به خانه می‌آمد، خدیجه علیها السلام نگرانی را از ذهن و خاطرش می‌زدود.

اموال حضرت خدیجه علیها السلام، به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشرفت آیین الهی اش قرار گرفته بود و به‌ویژه در سه سالی که مسلمانان در مکه در محاصره اقتصادی کفار قرار گرفته بودند، اموال خدیجه نقش مهمی داشت؛ تا جایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «ما نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ؛ هیچ ثروتی همانند دارایی خدیجه، به من [و آیین من] سود نرسانیده است.»^۱

نیز نقل شده است که فرمود: «مانایی و پیشرفت دین من، به دو چیز وابسته است: یکی، ثروت خدیجه و دیگری، شمشیر علی بن ابی طالب.»^۲

این، در حالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله از برخی همسرانی که پس از حضرت خدیجه علیها السلام برگزید، نه تنها چنان حمایت‌های قهرمانانه ندیده بود، بلکه ناملایماتی هم دیده بود و حتی خداوند در نکوهش آنان آیاتی را نازل نمود و آنها را به طلاق و قطع زندگی مشترک تهدید کرد.^۳

با توجه به نقش بسیار مثبت حضرت خدیجه علیها السلام در موفقیت‌های پیامبر و پیشبرد اسلام است که درگذشت خدیجه علیها السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار گران آمد و مصیبت آن، به اندازه‌ای بزرگ بود که پیامبر صلی الله علیه و آله سالی را که خدیجه علیها السلام و ابوطالب در آن رحلت کردند، «عام الحزن»، یعنی سال غم و اندوه نامید.^۴

فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام

همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله، جز ابراهیم، از حضرت خدیجه علیها السلام بودند. مشهور است که پیامبر صلی الله علیه و آله هفت فرزند داشت؛ چهار دختر به نام‌های: ام کلثوم، رقیه، زینب و فاطمه، و سه پسر به نام‌های: قاسم، عبدالله (ملقب به طیب و طاهر) و ابراهیم. همه این فرزندان، از حضرت خدیجه علیها السلام بودند و فقط ابراهیم، از کنیزی به نام ماریه قبطیه بوده است.^۵

۱. شیخ غالب سیلاوی، الأنوار الساطعة، ص ۱۶۳.

۲. همان.

۳. تحریم، آیه ۱ - ۵.

۴. العینی، عمدة القاری، ج ۸، ص ۱۸.

۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۵۲ به بعد.

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت، در شعب ابی طالب از دنیا رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خود، او را در حجون مکه مقابل قبر مادر خویش، آمنه، به خاک سپرد و آن قدر در مصیبت خدیجه علیها السلام اظهار ناراحتی نمود که آن سال را «عام الحزن»، یعنی سال غم و اندوه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان، نام نهادند.^۱

۱. العینی، عمدة الفاری، ج ۸، ص ۱۸.